

آواز دُهل

پژوهشی در تعالیم منتسب به
میرزا حسینعلی نوری معروف به بهاءالله

دفتر ششم:

تعدیل معیشت عمومی

مسعود بسیطی، زهرا مرادی

نشر بهارافشان، تهران، ۱۳۹۱

فهرست

تعلیم ششم: تعدیل معیشت همگانی و رفع مشکلات اقتصادی	۹
مقدمه	۱۱
دیدگاه نخست: آیا این تعلیم، ابداع بهائیت است؟	۱۹
دیدگاه دوم: آیا بهایان و در رأس آنها سران بهائیت، خود به امر تعدیل معیشت و حمایت از فقرا اهتمام داشته‌اند؟	۲۳
تعدیل معیشت از نگاه باب	۲۴
اعلام حلالیت نزول و ربا توسط بهاء الله	۲۶
حکم بهاء الله مبنی بر پرداخت چند تن طلا به مسوول جریمه‌ی زنا به بیت العدل	۲۸
تحقق تعدیل معیشت با قانون شکنی‌های بزرگان بهایی	۳۰
دیدگاه سوم: آیا این تعلیم از نظر عقل و منطق، صحیح است؟	۳۳
راهکار نخست: ارث	۳۵
راهکار دوم: مالیات	۳۹

- ۴۲ راهکار سوم: حقوق الله
- ۴۴ راهکار چهارم: زکات
- ۴۷ بخوانیم و بانهشیم!
- ۴۹ ۱. فاصله‌ی طبقاتی را کم کنیم یا با ربا بیشتر کنیم؟
- ۵۰ ۲. مالیات بدهیم یا ندهیم؟
- ۵۱ ۳. به فقرا رحم کنیم یا نکنیم؟
- ۵۲ ۴. تعدیل معیشت یا پرداخت چند تن طلا به بیت‌العدل؟
- ۵۳ ۵. باید بین انسان‌ها مساوات کامل باشد یا نباشد؟
- ۵۴ ۶. خداوند، انسان‌ها را یکسان خلق نموده یا خیر؟
- ۵۷ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
- ۵۹ فهرست منابع



تعالیم در این کتاب،
بر اساس سه دیدگاه بررسی می‌شود:

دیدگاه نخست:

آیا تعالیم بهایی، گفته‌هایی کاملاً جدیدند؟

دیدگاه دوم:

آیا خود بهاییان و خصوصاً سران ایشان،
به این تعالیم عامل بوده‌اند؟

دیدگاه سوم:

آیا اساساً خود تعالیم، از نظر عقل و منطق،
تعالیم درستی می‌باشند؟



تعلیم ششم:
تعدیل معیشت همگانی و رفع
مشکلات اقتصادی



«تعلیم ششم حضرت بها الله تعدیل معیشت حیات است. یعنی باید قوانین و نظاماتی گذارد که جمیع بشر به راحت زندگانی کنند. یعنی همچنانکه غنی در قصر خویش راحت دارد و به انواع موائد سفرهی او مزین است، فقیر نیز لانه و آشیانه داشته باشد و گرسنه نماند تا جمیع نوع انسان راحت یابند. امر تعدیل معیشت بسیار مهم است و تا این مسئله تحقق نیابد سعادت برای عالم بشر ممکن نیست.»





مقدمه

منشود از تعدیل معیشت همگانی این است که
ثروت‌های عالم باید به گونه‌ای بین انسان‌های
پایان تقسیم شود که افراد طبقات مختلف در
راحتی باشند و ثروتمندان به داد فقرا برسند.



عبدالبهاء می گوید:

"طبقات ناس مختلفند، بعضی در نهایت غنا هستند، بعضی در نهایت فقر. یکی در قصر بسیار عالی منزل دارد، یکی سوراخی ندارد. یکی انواع طعام در سفره اش حاصل است، یکی نان خالی ندارد، قوت یومی ندارد. و لذا اصلاح معیشت از برای بشر لازم".

وی تأکید می کند مقصود از تعدیل معیشت، مساوات نیست، بلکه موازات است. قرار نیست همه به یک اندازه مال و دارایی داشته باشند، بلکه باید اغنیا از روی میل و رغبت به فقرا کمک کنند تا آنها نیز کمتر سختی بکشند. مساوات، نظم عالم را به هم می زند. لذا طبقات و مراتب اقتصادی لازم است:

"نه آنکه مساوات باشد، بلکه اصلاح لازم است و آلا مساوات ممکن نیست، نظم عالم به هم می خورد. نظم عالم چنین اقتضا می نماید که طبقات باشد. نمی شود بشر یکسان باشد. زیرا در ایجاد بشر مختلفند. بعضی در درجه اول عقلند و بعضی درجه متوسط و بعضی یکی از عقل محرومند. حال آیا ممکن است نفسی که در درجه اعلای عقل است با نفسی که هیچ عقلی ندارد، مساوی باشد؟ ... مراتب لازم است".

۲- اشراق خاوری، عبدالحمید. پیام ملکوت. دهلی نو: مؤسسه ملی مطبوعات امری هند، ۱۹۸۶ م. ص ۱۳۴.

(به نقل از عبدالبهاء)

۳- همان مدرک.

او می‌گوید هر کس باید نسبت به طبقه و مرتبه‌ی خود راحت باشد:

"جمع از احتیاج نجات یافته هر کس بقدر امکان و اقتضا، در رتبه و مکان راحت یابد. همچنانکه امیر عزیز است و در نعمت مستغرق، فقیر نیز رزق یومی داشته باشد در ذلت کبری نماند و از شدت جوع (گرسنگی) از عالم حیات محروم نگردد".^۴

عبدالبهاء معتقد است همچنان که اردوی نظامی محتاج رده‌های مختلف است، جامعه نیز به طبقات نیاز دارد:

"باید کوشید تا نوع انسان سعادت ابدی یابد. قواعدی در اینخصوص لازم که هم مراتب باقی ماند و هم افراد هیئت اجتماعی در کمال آسایش باشند. زیرا هیئت اجتماعی مانند اردویی است که جنرال و سردار و نایب و نفر همه، اجزا، را لازم دارد. نمیشود جمیع سردار باشند یا سرباز بلکه طبقات لازمست و تفاوت مراتب واجب".^۵

بنابراین وی مدعی است بهائیت، به دنبال تساوی و برداشتن طبقات اجتماعی نیست. بلکه می‌خواهد تعادل ایجاد کند:

۴- افندی، عباس (عبدالبهاء)، خطابات، مصر: زائر فرج الله ذکی الکردی، ۱۴۴۰ ق. ج ۱، صص ۳۲ و ۳۳.

۵- اشرافی خاوری، عبدالحمید، پیام ملکوت، دهلی نو: مؤسسه ملی مطبوعات امری هند، ۱۹۸۶ م. ص ۱۳۸.
(به نقل از عبدالبهاء)

"بهر آنست که اعتدال بمیان آید و اعتدال اینست که قوانین و نظامات وضع شود که مانع ثروت مفرط بی لزوم بعضی نفوس شود و دافع احتیاج ضروریّه. جمهور گردد".

الله عبدالیهاء بارها در سخنرانی‌های تبلیغی‌اش، بارها ادعا کرده بود بهائیت، دنبال ایجاد مساوات به معنی کامل کلمه است. مثلاً چنین گفته است:

"(یکی از تعالیم بها، الله) مساوات بین بشر است و اخوت تامّ. عدل چنین اقتضا مینماید که حقوق نوع انسانی جمیعاً محفوظ و مصون ماند. و حقوق عمومی یکسان باشد و این از لوازم ذاتیه، هیئت اجتماعیّه است".^۶

اما همان‌طور که ملاحظه فرمودید وقتی نوبت به تعدیل معیشت و ارائه‌ی راهکار عملی می‌رسد، می‌گوید:

"مساوات ممکن نیست ... آیا ممکن است نفسی که در درجهٔ اعلای عقل است با نفسی که هیچ عقلی ندارد، مساوی باشد".^۷

به هر حال، عبدالیهاء پیشنهاد می‌کند قوانینی وضع گردد که افراد ثروتمند زیادی مال‌شان را به افراد فقیر انفاق کنند. وی می‌گوید:

"جایز نیست که بعضی در نهایت غنا باشند و بعضی در نهایت فقر. باید اصلاح کرد و چنان قانونی گذاشت که از برای کلّ وسعت و رفاهیت"

۶- همان کتاب، ص ۱۴۲. (به نقل از عبدالیهاء)

۷- همان کتاب، ص ۳۰. (به نقل از عبدالیهاء)

۸- همان کتاب، ص ۱۳۴. (به نقل از عبدالیهاء)

باشد نه یکی بفقیر مبتلا و نه یکی نهایت غنا را داشته باشد. مثلاً شخصی غنی که منتهی غنا را دارد نگذارد شخص دیگر منتهی فقر را داشته باشد مراعات او را بکند تا او هم راحت باشد. این را باید بقوانین اجرا کرد نفوس اغنیا باید خودشان زیادی مال خود را بفقرا انفاق کنند و همچنین قوانین مملکت باید نوعی باشد که بموجب شریعت الله هر گونه آسایش داشته باشد.^{۹۹}

همچنین می گوید:

"باید قوانین و نظاماتی گذارد که جمیع بشر براحت زندگی کنند ... امر تعدیل معیشت بسیار مهم است و تا این مسئله تحقق نیابد سعادت برای عالم بشر ممکن نیست."^{۱۰۰}

عبدالیهاء از یکسو می گوید انفاق اغنیا به فقرا باید از روی میل و رغبت باشد. نه اجبار؛ اما از سوی دیگر امر می کند قوانینی وضع شود تا از ثروتمندان پول گرفته شود و صرف نیازمندان گردد. احتمالاً مقصودش این است که قانون، تکلیف مردم را مشخص کند ولی ایشان را مجبور به پرداخت ننماید. یعنی قانونی بدون ضمانت اجرایی. وی می گوید:

۹- اسراف خاوری، عبدالحمید، پیام ملکوت، دهلئ نو: مؤسسه ملی مطبوعات امری هند، ۱۹۸۶ م، صص ۱۳۴ و ۱۳۵. (به نقل از عبدالیهاء)
۱۰- افندی، عباس (عبدالیهاء)، خطابات، تهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۷ بدیع، ج ۲، ص ۱۴۸.

"اغنيا رحم به فقرا کنند اما به ميل خودشان نه مجبوراً. اگر مجبوری باشد فايده ندارد. نه آنکه به جبر باشد، بل به موجب قانون عمومی هر کس تکليف خود را بدانند ... اين را بايد به قوانین اجرا کرد. امر تعديل معيشت بسيار مهم است و تا اين مسئله تحقق نيابد، سعادت برای عالم بشر ممکن نيست"^{۱۱}.

نکته‌ی آخر اینکه بهائيان معتقدند با طرح تعديل معيشت عمومی، ثروت‌های ملل به کلیه‌ی عالم تعلق می‌یابد. روابط اقتصادی ممالک جهان نیز بر اساس تفاهم و بدون سدهای گمرکی با ایجاد یک روش در واحد پول و اوزان استوار می‌گردد^{۱۲}. بر هر خواننده عاقل و با اطلاع از مسائل اقتصادی مضرات توصیه‌های فوق آشکار است.

به عنوان مثال بدون سدهای گمرکی روشن است چه بر سر اقتصادهای ضعیف و کشورهای توسعه نیافته خواهد آمد و چگونه قدرت‌های اقتصادی و صنعتی عملاً همه‌ی جهان را چپاول خواهند کرد؛ و یا مضرات واحد پولی مشترک بدون آماده‌سازی زیرساخت‌های اقتصادی در جهان چه فجایعی را به بار خواهد آورد.

۱۱- اشراق خاوری، عبدالحمید. پیام ملکوت. دهلی نو: مؤسسه ملی مطبوعات امری هند، ۱۹۸۶ م. ص ۱۳۴. (به نقل از عبدالبهاء)

۱۲- کاب، استن وود. آرامش برای جهان پر آشوب. ترجمه‌ی جمشید فناييان، دهلی نو: مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات مرآت، چاپ پنجم، ۱۹۹۴. ص ۱۷۰.

البته راه کارهای دیگری هم که بهاییت برای رسیدن به تعدیل معیشت عمومی
ارائه داده از نظر منطقی و اجرایی خالی از اشکال نیست.
این راه کارها در دیدگاه سوم به تفصیل بررسی می شوند.

www.ketab.ir